



ژوئیه ۲۰۰۸، شورای عالی امنیت ملی و مطالعات فرسنگی

مهاجرت بین‌المللی از جنوب به شمال به یک نظام جهانی دگرگونی اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده است.

که رفته رفته به چگونگی عملکرد این منطق بی می‌بریم. استدلال دربارهٔ اینکه تلاشهای هماهنگ بین‌المللی برای توسعه و رشد اقتصادی کشورهای مهاجر فرست به سرعت به کاهش مهاجرت از جنوب به شمال می‌انجامد نیز گمراه‌کننده است. شواهد تاریخی چشمگیری برای رد این استدلال وجود دارد. پس از یک دوره طولانی رشد اقتصادی در جنوب واقعاً احتمال کم شدن یا توقف فشارهایی که باعث گرایشهای مهاجرتی گزینی است وجود دارد، ولی در کوتاه مدت یا میان مدت - یعنی تا بیست یا سی سال دیگر یا حتی بیش از آن - تلاشهای مربوط به توسعه احتمالاً به افزایش مهاجرت از جنوب به شمال می‌انجامد. زیرا مکانیزم‌های سیون و کارایی فزاینده لازم برای بالا بردن تولید به معنای آن است که شمار زیادی از کارگران کارهای خود را از دست خواهند

جامعه علمی نو بدین می‌بالد که به مسائل جهانی پاسخ می‌دهد. اما اغلب به گونه‌ای تناقض‌نما یا به بسا زیرکی پرستها می‌افزاید. عرضه کردن راه‌حلهای ساده و ناپخته برای مسائل دشوار اغلب نشانگر چیزی جز جهالت نیست. پیدایش انگاره‌های پیچیده مهاجرت بین‌المللی از مسائلی است که اکنون مطرحند. کوششهای اروپا و آمریکای شمالی برای بستن دروازه‌ها به روی سیل مهاجران کشورهای جهان سوم نه تنها از لحاظ جنبه‌های اخلاقی سؤال برانگیز بوده، بلکه ثابت شده که غیرعملی نیز هست. بسیاری از مهاجران برای نفوذ در گسترانترین و سخت‌ترین نظامهای کنترل نیز راهی پیدا می‌کنند. زیرا منطق دگرگونی اقتصادی و اجتماعی خود به آفرینش راه‌ها و امکانات تازه برای مهاجران گرایش دارد، و تازه امروز است

داد. به موازات بالا رفتن میزان بیکاری، شمار مردمی که به جاهای دیگر پناه می‌برند افزایش می‌یابد. این روند دیمعای متوالی به طول خواهد انجامید، زیرا حتی در بهترین اوضاع ممکن نیز توسعه حالت تدریجی دارد.

برآورد شده است که امروز در حدود ۶۰ میلیون نفر در جهان در حرکتند. این رقم شامل کسانی است که جنگ، کشمکشهای داخلی، سرکوبهای سیاسی، مصایب محیطی، خطر قحطی، مشکلات اقتصادی یا آرزوی بهتر کردن اوضاع زندگی آنها را جابجا کرده است. در حدود ۱۶ میلیون نفرشان بنا به تعریف منتشر سازمان ملل بناهتد سیاسی هستند. یعنی افرادی که از بیم بازداشت شدن پناهنده شده‌اند و بیم آنها بی‌اساس نیست.

محل تمرکز این مهاجران بالقوه مناطق فقیرترین جنوب است. یعنی مستعمرات سابق آفریقا، آسیا، سواحل کارائیب و آمریکای لاتین و نیز نواحی جنوبی اتحاد شوروی. این مهاجران نه تنها به کشورهای همسایه داخل منطقه خود نقل مکان می‌کنند بلکه تعداد بیشتر و بیشتری از آنان به دنبال رفتن به مناطق صنعتی پیشرفته‌ای نظیر اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا هستند.

واکنش کشورهای شمالی (و برخی از کشورهای مهاجرپذیر جنوب) با احساس خطر توأم است. در شمال این احساس خطر با تصاویری که در روزنامه‌ها به چاپ می‌رسد قوت گرفته است. این تصاویر هایشنها، آلبانیاییها و سریلانکاییهای «قایق‌سوار» را که به فلوریدا، ایتالیا و کانادا می‌رسند نشان می‌دهد. رهبران برخی از این کشورها در پی بیرون کردن این مهاجران نظیبه‌اند. در حالی که برخی دیگر در پی افزایش کوششها به منظور حل مشکلات اقتصادی مناطق مهاجر فرستد تا سبب مهاجرت در عیداً آن متوقف شود. در برخی کشورها فشار تا حد جلوگیری عملی از هر نوع مهاجرتی افزایش یافته است.

انگیزه‌های نهفته در پی این برخوردها پیچیده‌اند و دامنه آنها وسیع است. ترس از اینکه مهاجران مشاغل را برهیند یا مانعی بر سر راه خدمات اجتماعی باشند تا بیگانه هراسی و حتی زادپرستی.



در حدود ۱۶ میلیون مهاجر بناهتد سیاسی هستند. بالا یک اردوگاه پناهندگان در انجوری.

«جهانی شدن» تجارت

گرایشی وجود دارد که جریان مهاجرت از جنوب به شمال را نتیجه شکستهای مربوط به توسعه در جنوب به شمار آورد و به راستی دهه ۱۹۸۰ که «دهه توسعه» بود آفریقا، سواحل کارائیب و آمریکای لاتین دستخوش رکود و کاهش سطوح درآمد سرانه واقعی بود. این دهه را دوران حرکت جدی به سوی «جهانی شدن» بازارها و هماهنگی جهانی سیاستهای اقتصادی ملی که ملازم آن بود نیز دانسته‌اند.

گرایشهای مهم، که هنوز هم رو به اوجگیریست عبارتند از: جهانی شدن تولید (سوار شدن نهایی قطعاتی که در نقاط مختلف جهان ساخته شده است)؛ جهانی شدن بازارهای مصرف (کالاهایی که در یک کشور قطعات آن به یکدیگر سوار شده در بازار بسیاری از کشورها فروخته می‌شود)؛ گسترش برنامه‌های «همسازی ساختاری» (برای کمک به توسعه بر مبنای صادرات)؛ ظهور دسته‌بندیهای تجاری بین‌المللی (پیمان تجارت آزاد اروپا، آمریکای شمالی، دسته‌بندی تجاری مخروط جنوبی آمریکای لاتین و مانند اینها). آشکار است که جهانی شدن اتفاقی نیست. بلکه نتیجه سیاستهای آگاهانه‌ای است که کشورهای پیشرفته، مؤسسات بین‌المللی مهم و کشورهای کمتر پیشرفته که سر نخشان در دست یکی از بازیگران اصلی است به اجرا در می‌آورند.

یکی از آثار مهم جهانی شدن عمیقتر شدن شکاف میان «برندگان» و «بازندگان» توسعه اقتصادی است. برای مثال، جهانی شدن و سیاستهای پشتیبان آن به نفع رشد اقتصادی سریع سواحل اقیانوس آرام (جمهوری کره، هونگ کونگ، تایوان، سنگاپور، مالزی و تایلند) بوده است. زسرا این کشورها نسیات ساسی، سیاستهای مترقی آموزشی، دستزدهای بساین و دیگر عوامل را برای جذب سرمایه‌گذاران و ارتقای صادرات با هم ترکیب کرده‌اند. مکزیکو نیز در آینده نزدیک در پرتو وسعت نیروی کار خود، رو ساخت اقتصادی و دستریش به ایالات متحد از جهانی شدن بهره خواهد برد.

مناطق دیگر بازندگان آشکار این تجارت جدید جهانی و بازی توسعه بوده‌اند. برای مثال، آفریقا چنان روساختهای اقتصادی کم توسعه یافته و چنان نیروی کار غیرمسافر



ساختن قطعات الکترونیکی در جمهوری کره

و فشار برای مهاجرت شد. ما جام جهان‌نمایی در دست نداریم که نشان دهد در بازی توسعه جهانی بازیندگان و بردگان فردا کدامند. اما آنچه آشکار می‌نماید این است که توسعه در فضای نازده جهانی شدن یا ناملایمات توأم است و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به ایجاد فشارهای عظیم برای مهاجرت بین‌المللی ادامه خواهد داد. به سوازات دیگر گویی اوضاع جهانی مناطق مهاجر فرست نیز عوض می‌شوند.

تأثیر محیطی

کشورهای فقیر که سرمایه و تکنولوژی محدود دارند ناچارند رشد اقتصادی خود را از طریق صدور محصولات که به قیمت ارزان می‌توانند تولید کنند به دست آورند، و با آنکه چوب و مواد معدنی در زمره صادرات کلیدی هستند، مهار کردن تأثیرات محیطی منفی در جنگلداری و معادن چندان جدی گرفته نمی‌شود. به همین ترتیب انگیزه‌های رقابتی در آمد دولت را برای اجرای برنامه‌های مربوط به محیط زیست پایین می‌آورد. در نتیجه جنگل‌زدایی، که پیامد جستجوی مردم فقیر برای سوخت یا زمین جدید برای کشاورزی است یا ناشی از آن است که مفاصل کاران جنگل را تبدیل به چراگاه دامها می‌کند، هیچ مانعی ادامه می‌یابد. تنزل محیطی نیز یکی از عواملی است که شبکه تیرهای به هم پیوسته‌ای را که به وجود آورنده انگاره‌های جدید حرکت از جنوب به شمال است تشکیل می‌دهند. میزان بالای بیکاری، بروز اقتصاد زیرزمینی قاچاق مواد مخدر، پوست یا

غیربیشتره‌های دارد که حتی دستمزدهای بسیار پایین و پیرنمایش با اروپا در دهه ۱۹۸۰ توانست سرمایه‌گذاران تازه‌زیدی را جذب کند. کمکهای مربوط به توسعه کمتر از آن بوده که این شکاف را پر کند. سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم در آفریقا، و در بیشتر کشورهای آمریکای لاتین، در دهه ۱۹۸۰ به راستی کاهش یافت.

آن دسته از کشورهای جهان سوم که در دهه‌های اخیر با رشد اقتصادی رو به رو بوده‌اند به طور کلی با دوره‌های طولانی بیکاری بالا و برون‌کسوجی شگرف نیز مواجه شده‌اند، گرچه در این میان استثنایهایی هم وجود دارد. پورتوریکو از ۱۹۵۰، مکزیکو در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و کسره در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رشد اقتصادی نسبتاً چشمگیری داشته‌اند، اما در همان زمان مهاجرت بین‌المللی باعث شده که تعداد زیادی از کارگران و خانواده‌های آنها را از دست بدهند. میزان بالای رشد طبیعی جمعیت و تأثیر مکانیزاسیون در کشاورزی و صنعت باعث شد که در این کشورها تعداد کارگران بسیار بیش از آن باشد که اقتصاد محلی بتواند آنها را جذب کند. از سوی دیگر، رشد اقتصادی مالزی در اواخر دهه ۱۹۷۰ چنان سریع بود که به راستی از کمبود نیروی کار زیان می‌دید ولی این از آن موارد استثنایی بود و نمی‌توان آن را الگوی کلی به شمار آورد. پس از دهه ۱۹۸۰ تعداد بیشتری از کشورها از لحاظ اقتصادی به زانو در آمدند، میزان بیکاری در آنها بالا رفت و درآمد واقعی آنها چنان پایین آمد که موجب بحرانهای سیاسی

جرب بران در حال کار در
جمهوری آفریقای مرکزی



مناجح سیارات و مهاجرت بین المللی تازمیه امن شکراند
 پای کشورهای پیشرفته نیز در میان است. کشورهای
 تروندند نه تنها سیاستهای تطبیقی ساختاری و تجارت مبتنی
 بر صادرات را در کشورهای جهان سوم (از طریق نقش
 تعیین کننده شان در صندوق بین المللی پول و دیگر نهادهای
 مالی) تنویق می کنند بلکه منافع انگارهای توسعه داخلی
 در کشورهای شمالی امکانی را برای مهاجران جنوبی
 فراهم می آورد.

تقسیم کار بین المللی

جهانی شدن تولید به تقسیم کاری در میان کشورها انجامیده
 است که در آن مشاغل علمی، فن آوری، طراحی، مالی،
 مدیریتی و نظارت در شمال تمرکز یافته. در حالی که کارهای
 سخت و پستی در جنوب متمرکز شده است. رشد اقتصادی در
 شمال به تقاضای رو به گسترش برای خدمات کم هزینه و
 فعالیتهای حمایتی در خود کشورهای شمالی انجامیده است.
 اینها شامل مشاغل می شود که کارگران کشورهای پیشرفته
 یا تمایلی به آنها ندارند یا با سطح دستمزد کنونی حاضر به
 انجام دادن آن نیستند - مانند ساختمان سازی، نظافت
 باغباری، جمع آوری زباله و غیره. این وضعیت باعث
 می شود که خدمات خرده مغازه کارانه به شرکتهای کوچکتر
 واگذار شود، و آنها نیز کارگران خارجی و از جمله مهاجران
 غیرقانونی را استخدام می کنند.

تقاضا برای مولد مسخدر یا دیگر کسالاهای قساجاق
 بین المللی بیش از هر جا در شمال پدید می آید. این باعث
 جهانی شدن تجارتی زیرزمینی شده و امکانات انتقال را هم
 در کشورهای صادرکننده و هم واردکننده افزایش داده است.
 امکانات تجارت قساجاق در کشورهای واردکننده به نفع
 مهاجران است زیرا برای کار کردن در میان زبانهای
 گوناگون و وصل کردن فروشندهگان کشورهای زادگاهشان به
 خریداران در کشور جدید محل اقامتشان موقعیت خوبی
 دارند.

از دیگر نتایج جهانی شدن تجارت و بازرگانی بین المللی
 پایین آمدن واقعی هزینههای سفر و ارتباطات بوده است.
 جریانهای اطلاعاتی بین المللی گسترش شکفت آوری پیدا
 کرده اند و سطح اطلاعات جنوبیها را درباره موقعیتهای کار
 غیررسمی و امکانات اقتصادی در شمال به گونه
 شکفت آوری بالا برده اند. این سه همراه جهانی شدن
 فرآوردهای مصرفی و تبلیغات تقاضای فزاینده برای درآمد
 و قدرت خرید را ایجاد کرده است که همگی اینها انگیزه های
 مهاجران بالقوه در کشورهای فقیر را تقویت می کنند.

در برخی از مناطق مهاجرپذیر مهم شمال که حضور
 اجتماعات قومی عظیم سیاست مهاجرتی آنها را دگرگون
 می کند مشکلاتی اضافی پدید می آید. خانوادهها و گروههای
 قومی که در کشورهای جهان سوم ریشه دارند به دولت فشار
 می آورند که دروازهها را بر خوشوالتندان آنان بکشد. این
 فشارها در کشورهایی که اقوام مختلف را به خود جلب

می کند - ایالات متحده، کانادا و استرالیا - بیش از هر
 جای دیگر به چشم می خورد.

جهان اجتماعی و اقتصادی تغییر پذیر

این نتیجه گیری که روندهای کنونی مهاجرت از جنوب به
 شمال بخشی از نظام جهانی مناسبات دگرگون شونده
 اقتصادی و اجتماعی است که شمال آن را حمایت و تشویق
 می کند پسند آنان نیست که فکر می کنند بحران مهاجرت
 کنونی فرایندی است که می توان آن را با نظارت سفت و
 سخت بر مهاجرت یا برنامههای کوتاه مدت توسعه متوقف
 کرد.



حمل کنندگان آب در ساحل

راه حلهای بحران کنونی باید در برگیرنده چشم انداز
 درازمدت نیز باشند. لازم است تشخیص دهیم که گرجه
 گوشتهای توسعه بین المللی اصلاً در درازمدت مهاجرت
 را کاهش خواهد داد، ولی همین گوشتهای کوتاه مدت با
 میان مدت فشارهای موجود مهاجرت از جنوب به شمال را
 تقریباً به طور حتم افزایش خواهد بخشید.

نظام فراقمر بین المللی و شیوه عملکرد اقتصاد
 کشورهای شمالی در درون آن دست کم میزان تعدیل شده
 مهاجرت را ایجاد می کند. میزان بسیار پایین هم از لحاظ
 درونی و هم از لحاظ بیرونی بر ضرر و سود توسعه و
 همکاری اقتصادی در نظام بین المللی عمل خواهد کرد.
 تصور اینکه جنوب بدون تجارت گسترده و فعال و بدون
 تبادل و همکاری فنی با شمال رشد اقتصادی داشته باشد
 مشکل است، به همین گونه تصور اینکه شمال نیز بتواند
 بدون همکاری منصفانه و درست با جنوب امنیت بیشتری به
 دست آورد مشکل است. به موازات پیشرفت نهادهای
 تربیت تازه بین المللی و مدارا با تنگناهایی که حاصل
 توسعه ناپذیر بین المللی است، لازم است برای حفظ این
 منافع دو جانبه در یافت تازه جهانی، روشهایی قانونی برای
 دادن اجازه حرکت کوتاه با درازمدت به تعداد نسبتاً زیادی از
 مردم جنوب به شمال در پیش گرفته شود. و گرنه اوضاع به
 حالت انزوا می رود. تضاد میان دولتها و هرج و مرج
 مرج بین المللی عمیقتر خواهد کرد.

باید
 درازمدت
 همکاری
 توسعه
 بین المللی
 اصلاً در
 درازمدت
 مهاجرت
 را کاهش
 خواهد داد
 ولی همین
 گوشتهای
 کوتاه مدت
 با میان مدت
 فشارهای
 موجود مهاجرت
 از جنوب به
 شمال را تقریباً
 به طور حتم
 افزایش خواهد
 بخشید.

آن به
 سیمونز
 از جامعهشناسان کانادایی که در دانشگاه
 یورک تورنتو کار می کند و در آنجا عضو
 مرکز پژوهش درباره آمریکای لاتین و
 کارآیندها و حضور مرکز مطالعات توسعه
 استادگان است. وی مسئول بسیاری
 درباره جهانی شدن و مهاجرت بین المللی
 منتشر کرده و با همکاری لاکیمان و دیان
 بسکوتس، دگرگونی اجتماعی و
 مهاجرت داخلی را تألیف کرده و ایسا
 همکاری کارودتا سرپرست کلاسش را
 نوشته است.